



صرف نظر از این که در ایران اختلاف نظر و دیدگاه درباره ضرورت تعیین و تعریف معانی و ملاک‌های تعیین خط فقر در بین مسوولان و کارشناسان دیده می‌شود، اما نباید از این واقعیت دور بود که با وجود فعالیت دو دستگاه حمایتی کمیته امداد و بهزیستی که در کنار موسسات خیریه، هر سالانه با جذب منابع مالی و اعتباری وظیفه رفع فقر را بر عهده دارند، هنوز «فقر و فقیر» به عنوان واژگانی تلخی در جامعه استفاده می‌شوند که سایه سنگین آن‌ها به گواه آمارهای رسمی، واقعیتی غیرقابل انکار است. دکتر حسین زارع - مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسایل اجتماعی - در گفت‌وگو با ایسنا، با بیان این که پوشش جمعیتی، کمک‌های ارائه شده در قالب پرداخت‌های نقدی و غیرنقدی، مکانیسم‌های تخصیص مزایا و استراتژی‌های هدف‌گیری فقرا توسط سازمان بهزیستی و کمیته امداد نیازمند بازنگری جدی است، گفت: با وجود آن که رسیدگی به نیازمندان واقعی همواره در اولویت برنامه‌های دولت‌ها بوده است، اما آرایه مزایای اجتماعی به این افراد باید بر اساس نیازهای آن‌ها و کمک برای بازگرداندنشان به بازار کار صورت گیرد.

وی با نگاهی گذرا به نحوه حمایت از نیازمندان تحت پوشش سازمان‌های حمایتی در سال‌های اخیر، به نقاط قوت و ضعف حمایت از فقرای شناسایی شده دو نهاد حمایتی کشور (کمیته امداد و سازمان بهزیستی)، پرداخت.

میانگین مستمری پرداختی از سوی نهادهای حمایتی زارع ضمن اشاره به میانگین مستمری ماهانه پرداختی به مددجویان تحت پوشش ارگان‌های یاد شده، تصریح کرد: با وجود آن که مستمری پرداختی از سوی نهادهای حمایتی با 343 درصد افزایش از هشت هزار تومان در سال 79 به 36 هزار تومان در سال 86 افزایش یافته است، اما در صورت تعدیل میزان مستمری پرداخت شده با توجه به سطح تورم عمومی قیمت‌ها، مشاهده می‌شود که در این سال‌ها، قدرت خرید واقعی مددجویان کاهش یافته است.

این پژوهشگر مسایل اجتماعی همچنین با نگاهی به جدول میانگین مستمری پرداختی از سوی نهادهای حمایتی در سال گذشته، اظهار کرد: مستمری پرداختی به مددجویان بهزیستی در سال 86 در حالی 36 هزار تومان شد که متوسط هزینه زندگی مددجویان حداقل چندین برابر این مقدار بود. زارع با تاکید بر این که با احتساب نرخ تورم و شاخص قیمت کالاهای مصرفی در سال‌های 1386 و 1387 رقم مستمری پرداختی نیازمند افزایش بود، خاطر نشان کرد: هر چند اگر افراد تحت پوشش به منظور گریز از پدیده چسبندگی حمایت‌های اجتماعی به خوبی انتخاب نشوند، این موضوع مشکل‌آفرین خواهد بود، اما برای نیازمندان و مددجویان واقعی تحت پوشش، مبلغ اختصاص یافته پاسخگو نیست. به گفته این پژوهشگر مسایل اجتماعی، ارقام ذکر شده مربوط به دریافت کمک‌های «نقدی» در قالب مستمری ماهانه است و علاوه بر این کمک‌ها، کمک‌های غیرنقدی در قالب کمک هزینه مسکن، بیمه درمان، جهیزیه، طرح‌های خودکفایی مددجویان و هزینه‌های فرهنگی و غیره نیز به این خانوارها ارائه می‌شود.

وی در ادامه ضمن اشاره به متوسط هزینه‌های ناخالص خوراکی و غیرخوراکی (میانگین هزینه‌های سالانه یک خانوار) یک خانوار شهری و روستایی در دهک‌های درآمدی جامعه در سال 86 و مقایسه آن با حمایت از دهک‌های پایینی، اظهار کرد: متوسط هزینه‌های ناخالص یک خانوار در سال 86 بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده، در دهک اول هزینه‌های 120، دهک دوم بیش از 200، دهک سوم 280 و دهک چهارم 235 هزار تومان بود که این ارقام با بالا رفتن دهک‌های درآمدی افزایش می‌یافت، به طوری که این رقم در دهک دهم به یک میلیون و 700 هزار تومان می‌رسید.

زارع افزود: اما مجموع میزان کمک‌های نقدی و غیرنقدی در هر ماه به هر خانوار تحت پوشش کمیته امداد که اغلب از سه دهک پایینی جامعه هستند، 107 هزار تومان و برای سازمان بهزیستی 72 هزار تومان در سال 86 بوده است.

وی با اشاره به این که هدف نهایی از ارائه حمایت‌های اجتماعی جلوگیری از فقر و سقوط افراد به

ورطه آن است، گفت: دو رویکرد مهم در حقوق اجتماعی آن است که حمایت‌های صورت گرفته با تمرکز به روی میزان شیوع فقر در میان دریافت کنندگان حمایت اجتماعی، باعث کاهش آن شود. این پژوهشگر با بیان این‌که ایجاد ارتباط بین سطح درآمد خانواده‌ها با یک خط فقر تعریف شده، این امکان را فراهم می‌کند که آیا حمایت اجتماعی قادر به محافظت از آن‌ها در برابر فقر است یا خیر، عنوان کرد: در این روش سطح حمایت اجتماعی در رابطه با خط فقر نسبی اندازه‌گیری شده و نشان می‌دهد که آیا طرح‌های حمایت اجتماعی مردم را از فقر خارج می‌کند یا نه و اگر چنین است تا چه اندازه؟ همچنین این امکان فراهم می‌شود، چه نوع خانواده‌هایی در هر کشور بیشتر از همه در برابر فقر محافظت شده‌اند.

به گفته وی، مطابق استانداردهای بین‌المللی، یک خط فقر نسبی، 50 درصد از میان درآمدی خانوارها را به عنوان معیاری برای فقر در نظر گرفته می‌شود.

این مدرس دانشگاه در ادامه آسیب‌شناسی وضع موجود در مورد پوشش حمایتی نیازمندان توسط بهزیستی و کمیته امداد، اظهار کرد: بر اساس آمار ارائه شده از جمعیت تحت پوشش این نهادها در سال 87 گویای این مطلب است که در سال 84، 727 هزار و 922 نفر تحت پوشش سازمان بهزیستی کشور قرار گرفته‌اند که این رقم در سال 86 به 851 هزار و 808 نفر افزایش یافته است.

به گفته زارع، همچنین جمعیت تحت پوشش کمیته امداد نیز در سال 84، بیش از چهار میلیون و 110 هزار نفر بوده که رقم یاد شده در سال 86 با افزایش به بیش از چهار میلیون و 534 هزار نفر رسیده است.

وی برای افزایش مددجویان تحت پوشش کمیته امداد دو فرضیه مطرح کرد و گفت: یک فرضیه آن است که گستره پوشش جمعیتی کمیته امداد افزایش یافته و یا آن که گستره پوشش افزایش نیافته، بلکه افرادی که به نوعی فقیر شده‌اند و یا درآمد خود را به هر دلیلی از دست داده‌اند، افزایش یافته است. این مدرس دانشگاه و پژوهشگر مسایل اجتماعی در ادامه گفت‌وگو با ایسنا، خاطر نشان کرد: علیرغم وجود وجود بانک جامع اطلاعات ایرانیان، ظرفیت جذب منابع مالی حاصل از تکالیف دینی و مردمی و وجود حمایت‌های سیاسی، هم‌چنان ضعف‌هایی را در ارائه خدمات به مددجویان و نیازمندان می‌توان شاهد بود.

زارع نبود بانک اطلاعاتی معلولان، گروه‌های آسیب‌پذیر، خانواده‌های تک‌والدی و بدسرپرست و نظام یکپارچه آماری را از جمله ضعف‌های پیش روی نهادهای حمایتی عنوان کرد و گفت: تعدد مراکز تولیدکننده گزارشات آماری، محدودیت در تولید و دسترسی به اطلاعات دقیق، اجرا و نظارت بر اجرای سیاست‌های توانمندسازی و کاهش محرومیت، موازی کاری در سازمان‌ها برای ارائه خدمات حمایتی و توانمندسازی، گزینش خانواده‌ها برای هدفمندی مزایای اجتماعی، کامل نبودن استانداردها در نظام پایش و ارزشیابی ارائه خدمات و فقدان توجه کافی برای اقدامات پیشگیرانه در حوزه حمایتی را از دیگر ضعف‌ها اعلام کرد.

وی تأکیدات قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست ساله کشور و قانون ساختار نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی و مصوبه‌های مرتبط، توسعه سازمان‌های مردم‌نهاد و نظام‌های سنتی حمایتی، دسترسی گسترده به منابع انسانی تحصیلکرده و آموزش دیده در سطح کشور، افزایش سطح آگاهی و ارتقای نسبت به برخی شاخص‌های اجتماعی اثرگذار بر حوزه حمایتی از قبیل باسواد، سلامت، تغذیه و غیره را نیز از جمله فرصت‌های پیش روی مسوولان و مدیران برای برخورداری نیازمندان و عموم مردم از سطح زندگی مناسب، ارتقا رفاه و عدالت اجتماعی خواند.

این پژوهشگر مسایل اجتماعی در عین حال فقدان توجه به موضوعات کلیدی در سیاست‌های حمایتی اجتماعی از جمله چسبندگی به نظام حمایتی، داغ ننگ بدنمایی اجتماعی، اثرحبابی (بروز علائم وابستگی مضاعف به دلیل کامل نبودن بسته مزایای حمایتی)، به کارگیری سیاست‌هایی که بیکاری را توصیه می‌کند و گزارش ندادن وضعیت جدید خانواده از ترس حذف حمایت‌های اجتماعی را نیز از تهدیدهای پیش رو دانست.

به گفته زارع، از دیگر تهدیدها می‌توان به تأثیرپذیری منابع مالی حمایتی دولتی از نوسانات قیمت نفت، پیامدهای ناشی از تغییر ساختار جمعیتی اعم از افزایش سهم جمعیت سالمندان و یا رشد شدید جمعیت، تداوم نابرابری‌های رفاهی بین مناطق مختلف و گروه‌های متفاوت افراد جامعه و غیره اشاره کرد.

راهبردهای تحقق اهداف در حوزه پوشش حمایتی
وی ضمن ارائه راهبردهای تحقق اهداف در حوزه پوشش حمایتی به ایسنا، گفت: اولویت‌بندی خدمات برای ارتقای عدالت، ارائه خدمات حمایتی مستقیم به صورت زمان‌دار و متناسب با درجه توانمندی جامعه هدف، ظرفیت‌سازی برای گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد، توسعه تعاملات فرابخشی و بین‌المللی در جهت کاهش مخاطرات ناشی از عوامل اقتصادی، جمعیتی، اجتماعی و طبیعی، اصلاح شیوه‌شناسایی افراد نیازمند و مستحق دریافت حمایت‌های اجتماعی و غیره نیز از راهبردهای تحقق اهداف در حوزه پوشش حمایتی کشور به شمار می‌رود.
زارع در پایان خاطر نشان کرد: بحث و نتیجه‌گیری از طرح‌های حمایت اجتماعی کشور نشان می‌دهد که علی‌رغم فعالیت‌های درخور تقدیر، اصول حاکم بر نظام حمایتی و مساعدت‌های اجتماعی کشور نیازمند بازمهندسی در توزیع منابع بین فقرا و سایر گروه‌های آسیب‌پذیر با در نظر گرفتن اصولی است که اگر در نظر گرفته نشود، موجب چسبندگی آن‌ها به نظام حمایتی، بدنامی اجتماعی گروه‌های هدف، بروز پدیده اثربخشی و افزایش بیکار تعمدي و مخاطرات اخلاقي می‌شود.